

جایگاه قدسی و معنوی فلسطین و مسجد الاقصی باید حفظ شود | فلسطین یک موضوع قومیتی نیست بلکه یک موضوع دینی است



به گزارش خبرنگار حوزه اندیشه [خبرگزاری تقریب](#)، محسن مسیحی معاون امور ایران، فرهنگی و اجتماعی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی در وبینار «قدس محور وحدت و حیات اسلام» که عصر امروز به همت معاونت ایران - امور بانوان مجمع تقریب برگزار شد، تاریخچه سرزمین فلسطین، حوادث آن و راهکارهای کمک و حمایت از این سرزمین را تشریح کرد؛ متن سخنرانی وی در ادامه می آید:

روز قدس را به همه امت اسلامی تبریک و تهنیت عرض می کنم و این یادگار ارزشمندی که امام راحل برای امت اسلامی به یادگار گذاشت را گرامی می داریم.

از بزرگترین حوادثی که پس از انقلاب مبارک اسلامی ایران در جهان اسلام رخ داد، بزرگداشت و برگزاری همایشهایی در جهت تجلیل از مبارزات مردم مسلمان فلسطین و قدس شریف بود و این یادگار ارزشمند حضرت امام یکی از نقطه های حساس و درخشان انقلاب مبارک اسلامی ایران است که تا امروز پس از 43 سال هنوز استمرار دارد؛ این آرمان مقدس روز به روز در جهان اسلام تلالؤ و درخشندگی خاص خود را دارد و باعث اتحاد و انسجام در جهان اسلام پیرامون مهمترین موضوع جهان اسلام یعنی فلسطین و قدس شریف شده است.

سخنان خود را در سه بخش عرضه می‌دارم؛ ابتدا تاریخچه مختصری از سرزمین فلسطین و حوادثی که در این سرزمین و در طول تاریخ چند هزار ساله فلسطین پیش آمده است را بیان می‌کنم؛ موضوع دوم حدود فلسطین و جغرافیای کشور فلسطین و موضوع سوم راهکارهایی است که ما می‌توانیم به آزادی فلسطین و قدس شریف کمک کنیم و جهان اسلام می‌تواند به عنوان مسائل اصلی مدنظر و مطرح در جهان امروز، به آن بپردازد.

تاریخ فلسطین به بیش از پنج هزار سال قبل باز می‌گردد؛ یعنی با اولین مهاجرت کنعانیان از جزیره العرب به منطقه فلسطین فعلی در سه هزار سال پیش از میلاد حضرت مسیح(ع) رخ داد؛ این قوم به آن منطقه مهاجرت کردند و فلسطینیانی که امروز مد نظر ماست، سابقه و قدمت بزرگ تاریخی به درازای بیش از پنج هزار سال در این سرزمین مقدس دارند؛ بعد از این مهاجرت، اقوام دیگری مثل آموریان، حتیان، حویان و فلسطی‌ها، از اقصی نقاط به این منطقه مهاجرت کردند و این اقوام هم در آن منطقه ساکن شدند؛ به خاطر اهمیت و جایگاهی که قوم فلسطی در این مهاجرت و در آن منطقه پیدا کردند.

بعد از این مهاجرت این منطقه به نام فلسطین نامگذاری شد؛ مهاجرتها به این مناطق در طول تاریخ ادامه داشت؛ مهاجرت بعدی در هزار و هشتصد سال قبل از میلاد مسیح به این منطقه رخ داد، که حضرت ابراهیم(ع) از منطقه اور در عراق فعلی مهاجرت کرده و قوم خود را به منطقه فلسطین انتقال دادند.

با حضور این نبی بزرگوار، بیت المقدس و مرکز معنوی به نام شهر اورسالم در آنجا تأسیس شد که امروز به عبری به آن اورشلیم گفته می‌شود و پایه گذار این شهر حضرت ابراهیم(ع) بود.

در دوره ای هم فرزندان این نبی بزرگوار مثل حضرت اسحاق(ع) و یعقوب(ع) در دو شاخه و تیره در این منطقه ساکن بودند؛ فرزندان اسحاق که یعقوب و عیصو هستند در ناحیه شمال کنعان ساکن شدند و حضرت اسماعیل(ع) و 12 فرزندش در ناحیه جنوبی کنعان؛ این منطقه از همان زمان هم مهد پرورش شخصیت‌های الهی، انبیا و بزرگان دینی بود؛ از چند هزار سال قبل تا الان، بعد از این دوران فرزندان حضرت یعقوب(ع) در زمان حضرت یوسف(ع) از منطقه فلسطین فعلی و کنعان به صحرای سینا و مصر مهاجرت کردند و در آن کشور ماندگار شدند و فرزندان حضرت اسماعیل(ع) در کنعان و جایگاه خودشان باقی بودند و حدود چند صد سال مهاجرت فرزندان حضرت یعقوب به منطقه مصر و صحرای سینای فعلی استمرار داشت، تا سال 1207 قبل از میلاد مسیح که با پیامبری حضرت موسی(ع)، موضوع بازگشت به ارض موعود و اراضی قبلی و جایگاه قبلی که فرزندان حضرت اسحاق در آن سکونت داشتند، مطرح شد.

طبیعتاً این موضوع بسیار پیچیده بود؛ از جهات مشکلاتی که در مهاجرت بود و همانطور که در آیات 21 تا 26 سوره مائده به آن اشاره شده است، حضرت موسی 40 سال در صحرای سینا سرگردان بود و نتوانست به منویاتی که داشت نائل آید و به سرزمینی بازگشت کند که احساس می کرد محل آرامش و سکناى ایشان است و این بازگشت به ارض موعود انجام نشد، تا زمان حضرت یوشع(ع) که بعد از وفات حضرت موسی(ع) قوم بنی اسرائیل را به سرزمین کنعان فعلی هدایت کرد و تا دروازه های جنوبی شهر اورسالم که در زمان حضرت ابراهیم(ع) تأسیس شده بود، رسیدند و در منطقه جنوب غربی این شهر ساکن شدند.

در سال 1000 قبل از میلاد مسیح حضرت داوود(ع) شهر اورشلیم یا اورسالم را تصرف کرد و این شهر به پایتختی بنی اسرائیل رسید و تا زمان حضرت سلیمان نبی(ع) استمرار داشت و حکومت بنی اسرائیل در این منطقه تأسیس شد و اوج این حکومت در دوران حضرت سلیمان نبی(ع) بود؛ طبیعتاً به خاطر اینکه این منطقه مورد نزاع بود؛ بین ساکنین اصلی و کسانی که مهاجرت کرده بودند جنگها و نزاعهای بسیار زیادی در طول دوره های مختلف تاریخی در این منطقه روی داده است که از جمله آنها در سال 1927 قبل از میلاد بود که جنگ و خونریزی بسیاری شدیدی در این منطقه فلسطین فعلی رخ داد؛ همینطور در سال 722 قبل از میلاد حمله آشوریان به منطقه فلسطین را داشتیم، که منجر به فروپاشی حکومت بنی اسرائیل و از بین رفتن دولت بنی اسرائیل و تثبیت حاکمیت آشوریان بر سراسر منطقه فلسطین شد و این تا سال 330 قبل از میلاد ادامه داشت که حمله اسکندر مقدونی به منطقه فلسطین فعلی و شامات و بسیاری از مناطق اطراف این منطقه رخ داد و رومی ها و اسکندر مقدونی بر این خطه تاریخی تسلط پیدا کردند.

قیامها و مبارزات دیگری برای گرفتن این سرزمین از دست این افراد را در طول تاریخ داشته ایم که مهمترین آن در سال 142 قبل از میلاد هست که شمعون مکابی قیامی کرد و شکست خورد و نتوانست به اهداف خود دست یابد؛ تا سال 63 قبل از میلاد که پمپیوس سردار رومی این منطقه را تصرف کرد؛ از آن زمانی که این منطقه توسط این سردار رومی فتح شد تا زمان تولد عیسی(ع) در شهر بیت لحم این منطقه در تسلط رومی ها بود.

این سلطه ادامه داشت تا زمانی که بعثت پیامبر گرامی اسلام (ص) انجام پذیرفت، پیامبر اسلام (ص) در اواخر عمر شریف خود، قصد گرفتن این اراضی مقدس و معنوی را داشتند چون بیت المقدس اولین قبله مسلمانان، محل معراج پیامبر(ص) و مورد توجه همگان و خواستگاه بسیاری از ادیان و مورد توجه انبیاء الهی بود؛ پیامبر اسلام(ص) در اواخر عمر خود لشکری را به فرماندهی اسامه بن زید برای تصرف منطقه بیت المقدس، فلسطین و مناطق فعلی ترتیب دادند؛ که همزمان با بیماری پیامبر(ص) شد و حضور اسامه در این منطقه و بردن لشکر به تأخیر افتاد تا زمانی که پیامبر(ص) رحلت کردند و این امر به دوران

خلیفه اول، رسید و در زمان خلیفه اول حمله ای از سوی اسامه بن زید به این منطقه شد و مناطقی به تصرف درآمد و در زمان خلیفه دوم منطقه فلسطین و بیت المقدس و این سرزمینها به تصرف دولت اسلامی درآمد که این امر در دوره امویان و عباسیان و تا زمان جنگهای صلیبی استمرار داشت.

از تاریخ صدر اسلام تا دوره فعلی را اگر بررسی کنیم چیزی حدود 1200 سال یا 12 قرن این منطقه با فراز و نشیبهای تاریخی که داشته، تحت حاکمیت دولتهای اسلامی و جهان اسلام بوده است، در برخی ادوار، دولتهای اسلامی اجازه نمی دادند که یهودیان در این منطقه حضور پیدا کنند و در برخی ادوار اجازه می دادند و یا تحت شرایطی اجازه می دادند که با پرداخت جزیه وارد این منطقه شوند و این استمرار داشت تا دوران معاصر ما که شروع آن با جنگ جهانی اول و تضعیف دولت عثمانی بود و تضعیف دولت عثمانی باعث شد، کشورهای اسلامی که تحت سلطه این دولت بودند یکپارچگی خود را از دست بدهند و تقسیم بندی و تکه تکه شدند؛ البته در این دوره نقش خیانت بار برخی از سران منطقه عربی برای این تجزیه قابل توجه است؛ از جمله کسانی که به دولت استعماری انگلستان اعتماد کردند؛ افرادی مثل شریف حسین در مکه و فرزندانش فیصل و عبدالقادر که به بهانه حاکمیت بر برخی از مناطق حاضر شدند، کشورهای اسلامی تجزیه شوند و دولت اسلامی عثمانی در آن عصر تجزیه شود و شکست بخورد و این شکست باعث شد که متأسفانه پیروزیهای پی در پی برای جهان استکباری به ارمغان داشته باشد.

اولین طرح استعماری برای سکونت یهودیان در منطقه فلسطین و قدس شریف و این مناطق، از طرف ناپلئون بناپارت مطرح شد؛ در زمانی که بنا داشت به منطقه سوریه و مصر و شامات حمله کند، از یهودیان فرانسه که در آن زمان به عنوان اشرار مطرح بودند کمک خواست که اگر شما به ما در فتح این مناطق کمک کنید، ما جایگاهی را در این مناطق به شما اختصاص خواهیم داد و این اولین طرحی بود که برای سکونت یهودیان در منطقه فلسطین فعلی در سال 1779 میلادی مطرح شد و شکل گرفت که خوشبختانه با شکست ناپلئون بناپارت به نتیجه نرسید.

بعدها دولت استعماری انگلستان با همراهی برخی از خائنین در جهان عرب و کشورهای استعماری در مناطق مختلف دنیا خصوصاً آمریکا و دولتها و ابرقدرتهای آن دوران نقش ویژه ای در پیاده سازی این طرح ایفا کردند؛ با کنفرانسها و جلسات بین المللی که تشکیل دادند، خیانتهایی که کردند، مهاجرت اجباری که به وجود آوردند، ظلم و جنایتها و تعدیهای بسیار زیادی که در حق ملت فلسطین کردند؛ کشت و کشتارهایی که به راه انداختند و مجموع خیانتی که در این دوران شد؛ خیانت بین المللی، خیانت داخلی و خیانتی که توسط دولتهای استکباری شکل گرفته و طراحی شده بود؛ متأسفانه منجر به این شد که سازمانهای بین المللی هم که تحت تسلط قدرتهای استعماری هستند به این موضوع خیانت بار تن دهند و

لواحی را تصویب کنند که در جایگاه آن نبودند، اولین بارقه های خیانت هم از همان سالهای 1885 شروع شد تا 1948 بعد 1967 و بعد 1987 و همینطور ادامه پیدا کرد و به عنوان جامعه بین الملل، قراردادهای و مسائل مختلفی بر یک ملت مظلوم، تاریخی و ریشه دار به نام فلسطین و یک ملت اسلامی به نام فلسطینی ها تحمیل کردند که متأسفانه امروز با این وضع مواجه هستیم.

تاریخ فلسطین را که ملاحظه می کنیم تاریخی است مملو از مسائل و حوادث مختلف پیش آمده، خصوصاً در یک صد سال اخیر که مسئله خیانت، سرسپردگی و جنایت را در موضوع فلسطین بسیار شدید می بینیم و این موضوعات باعث شد که امروزه به شکل گیری یک دولت جنایتکار خبیثی به نام رژیم جعلی و صهیونیستی اسرائیل منجر شود، اما سؤال این است که حدود این دولت و حد دولت تاریخی فلسطین چه بوده و چه خواهد بود؟

مطلع هستید که در آموزه های بسیار غلطی که صهیونیستها برای خودشان مطرح کرده اند، ادعا دارند از نیل تا فرات منطقه بین دو رودخانه بزرگ جهان اسلام باید تحت حاکمیت دولت یهود و صهیونیست باشد و این نماد استعماری را در پرچم خود هم نشانه گذاری کرده اند؛ ستاره داوود به معنای تسلط حضرت داوود(ع) بر منطقه فلسطین و حاکمیت ایشان که اولین حاکمیت بنی اسرائیل بر کل مناطق فلسطین بوده است، می باشد؛ ستاره به معنای حاکمیت بر کل آن مناطق است و آن دو نوار آبی که در پرچم هست به معنی نیل تا فرات است؛ یعنی یکی نماد رود نیل و دیگری نماد رود فرات است و آن را حد و حدود دولت صهیونیستی و یهودی در این منطقه تاریخی می دانند؛ غافل از اینکه قبل از داوود(ع) و قبل از ابراهیم(ع) و قبل از خیلی از انبیاء بزرگوار این منطقه ساکنینی داشته است، کنعانیانی بوده اند که در این منطقه حضور داشته و این منطقه ملک آنهاست و از جهت سابقه تاریخی بر همه این اقوام تقدم دارند؛ آنها از این موضوع غفلت کرده اند و امروز دولت استعماری به دنبال حاکمیت بر این منطقه است، تمام طرحهای تجزیه طلبی و استعماری که داشتند و حتی تشکیل داعش در دوره اخیر هم به جهت حفظ این حاکمیت و گسترش سلطه صهیونیست بر جهان اسلام بود.

ما در پی بیان تاریخ درست و تفسیر دیگری از این موضوع هستیم؛ در پی کشف تاریخ اصیل و حقیقی دولت و ملت فلسطین و در پی حقیقت مرزهای فلسطین هستیم و آن مرز از نهر تا بحر است.

آنچه که ما در تفسیر حیطه ملی کشور فلسطین می دانیم از نهر تا بحر است؛ از نهر اردن که 152 کیلومتر طول دارد و مساحت این نهر به 18300 کیلومتر مربع می رسد تا بحر یعنی دریای مدیترانه؛ یعنی دریایی که دو و نیم میلیون کیلومتر مربع وسعت دارد؛ از نهر تا بحر یعنی حدود شرقی تا غربی

کشور فلسطین از این منطقه است و از بلندیهای جولان در شمال تا صحرای سینا؛ دولت و کشور فلسطین منطقه ای به این وسعت است نه یک ذره کمتر و نه یک ذره بیشتر و ما با هرگونه تجزیه طلبی و قطعه قطعه کردن این دولت و بخشی نگاه کردن و تجزیه این دولت بزرگ اسلامی کاملاً مخالفیم.

این تئوری و نگاهی است که امت اسلامی و علمای بزرگ جهان اسلام و مقام معظم رهبری مطرح کرده اند و دقیقترین و اصیلترین تئوری در رابطه با محیط جغرافیایی کشور فلسطین است؛ تمام منطقه غزه، بیت المقدس، اورشلیم فعلی، بیت لحم، ناصره، نابلس، کرانه باختری رود اردن و ... جزء این منطقه و دولت فلسطین یکپارچه و متحد محسوب می شوند و آزاد سازی این منطقه از نهر تا بحر مد نظر تمام امت اسلامی و جهان اسلام است.

و اما در مورد راهکارهای حمایت از مسأله فلسطین به مواردی اشاره می کنم که اگر امروز جهان اسلام پیرامون این موارد به یک اتحاد فکری و عملی برسد قطعاً در آزادی این منطقه شریف و مقدس بسیار مؤثر خواهد بود.

اولین مورد حفظ جایگاه قدسی و معنوی فلسطین و مسجد الاقصی به عنوان محل معراج پیامبر(ص)، اولین قبله مسلمین، محل حضور و بعثت بسیاری از انبیاء الهی و مورد احترام همه ادیان ابراهیمی، اعم از اسلام و مسیحیت و یهودیت است؛ این جایگاه قدسی باید کاملاً حفظ شود و مورد توجه باشد.

نکته دوم تأکید بر حفظ وحدت همه امت اسلام خصوصاً مردم فلسطین پیرامون آزادی فلسطین است؛ وحدت همه اقوام، شعب، فرق و نحل و همه عزیزانی که در جهان اسلام حضور دارند؛ موضوع فلسطین یک موضوع قومیتی نیست بلکه یک موضوع دینی است؛ خوشبختانه با پیروزی انقلاب اسلامی مسأله فلسطین از مسأله قومیت عربی به موضوع جهان اسلام و یک موضوع اسلامی تبدیل شده است.

سابقاً گروههای کمونیستی یا گروههای پان عربیسم می خواستند، این موضوع را برای خود تصرف کنند و نقش ویژه ای در این زمینه ایفا کنند، اما با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، مسأله فلسطین به عنوان یک مسأله اسلامی در جهان اسلام مطرح شد و این موضوع باید تا ابد به عنوان یک مسأله دینی و اسلامی مطرح باشد.

موضوع سوم موضوع مقاومت است؛ تنها راه پیروزی مقاومت است؛ تنها راه پیروزی برای رسیدن به آرمانهای الهی مقاومت است؛ همانطوری که بزرگان و رهبران اسلامی فرموده اند، مقاومت و مبارزه با

رژیم اشغالگر از اوجب واجبات است و این انقلاب از انقلاب سنگ و فلاخون شروع شد و امروز به موشک رسیده است و مطمئن هستیم این مبارزه در آینده گسترده تر و جدی تر خواهد بود و محور مقاومت و مبارزه با رژیم صهیونیستی روز به روز در جهان اسلام تقویت خواهد شد؛ مقاومت یکی از اساسی ترین راهکارهای برای رسیدن به آرمانهای الهی در فلسطین است.

موضوع چهارم توجه به همه ابعاد مقاومت است؛ ما اگر مقاومت را بررسی می کنیم، صرفاً مبارزه نظامی یا سیاسی مد نظر ما نیست بلکه ما باید بتوانیم مقاومت را خوب تبیین کنیم و به آن بپردازیم، رسانه مقاومت را باید ایجاد نموده و به آن بپردازیم، باید ادبیات مقاومت اعم از قصه و شعر و رمان و ... را ایجاد کنیم؛ مقاومت مجموعه ای از همه مسائل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، نظامی، اقتصادی و ... است؛ طبیعتاً مسئله مقاومت و پایداری در همه این ابعاد ظهور و بروز دارد و ما باید به همه این ابعاد برسیم چرا که مقاومت صرفاً در مسئله نظامی یا سیاسی نیست؛ امت اسلامی باید به مقاومت در همه این ابعاد فکر و توجه کنند.

رسانه، سینما، رادیو تلویزیون، شبکه های مجازی و ... بسیار در موضوع مقاومت و تسری آن مؤثر هست و ما باید بیش از پیش به این موضوع بپردازیم، همانطوری که صهیونیستها از هالیوود به عنوان ابزار خود استفاده می کنند، موضوع رسانه در جهان اسلام نسبت به مسأله مقاومت باید تقویت شود، فقه مقاومت و دانش مقاومت در همه ابعاد باید تقویت شود؛ موضوع تشکیل دولت فلسطین در همه آن سرزمین نه یک ذره کم و نه یک ذره بیش از آنچه که تصویر شده است، یعنی از نهر تا بحر و بدون هیچ گونه تجزیه طلبی و به صورت یک دولت واحد و یکپارچه از اساسی ترین موضوعاتی است که باید به آن پرداخته شود و این موضوع راهکاری غیر از همه پرسى و مراجعه به آراء عمومی ساکنین اصلی فلسطین ندارد و نخواهد داشت.

در طول تاریخ هم همین بود است؛ اگر دولتهای غربی امروز دموکراسی را مطرح می کنند بهترین دموکراسی این است که از این چهارده یا پانزده میلیون ساکن یا آواره از منطقه فلسطین که این کشور متعلق به آنهاست، باید همه پرسى و نظرخواهی شود و پس از همه پرسى به هر آنچه که ملت فلسطین رأی دادند به آن رأی عمل شود؛ اساسی ترین راهکار فلسطین، موضوع همه پرسى و مراجعه به آراء عمومی فلسطینیان است.

بار دیگر بر نقش مهم مراجع دینی، حوزه های علمیه، دانشگاهها و مجامع علمی نسبت به موضوع فلسطین تأکید می کنم که نیاز به یک بازخوانی دارد؛ مراجع ما در گذشته تاریخی بسیار فعالانه نسبت به این موضوع عمل کردند، آیت الله حکیم، آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی، آیت الله کاشف الغطاء، آیت الله کاشانی،

آیت ا [بروجردی، حضرت امام و ...؛ در دوره فعلی هم به همین صورت مراجع معظم و بزرگان فکری حوزوی و دانشگاهی باید به این موضوع مهم اهتمام ویژه داشته باشند.

در دنیای اسلام، مجامع دانشگاهی، مجامع علمی و مذهبی و علما و بزرگان جهان اسلام باید به این موضوع توجه داشته باشند؛ خوشبختانه حرکت بسیار خوب و ارزشمندی در سال گذشته در جهت مبارزه با عادی سازی در جهان اسلام انجام شد که مجمع تقریب نقش بسیار ویژه ای در آن داشت، در گرفتن فتاوی از علمای داخلی و خارجی از اهل سنت و همه مذاهب اسلامی؛ لذا یک حرکت بسیار عالی در جهان اسلام در جهت مبارزه با عادی سازی روابط صورت گرفت.

ما باید از همه جهات مادی، معنوی، نظامی، سیاسی و .. به ملت فلسطین کنیم؛ گمان من است که گسترش سفارت خانه های فلسطین به صورت فیزیکی و مجازی در جهان اسلام باعث تقویت امت اسلامی فلسطین خواهد شد؛ حمایت های مادی، معنوی، فکری، رسانه ای و ... ما به ملت فلسطین باعث می شود پیروزی آنها هرچه سریعتر اتفاق بیفتد و رژیم پویشالی و جعلی اسرائیل به زباله دان تاریخ فرستاده خواهد شد. انشاء

ا [

تهیه و تنظیم: زهرا غلامی